

فرایند مصرفی شدن آب شهری در تهران (ارائه نظریه داده‌بنیاد)

نیما بردیافر^۱، وحید قاسمی^۲، عباس کاظمی^۳، جبار رحمانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر ناظر بر بازسازی پیامدهای معنایی دگرگونی فضایی زیرساخت‌های شهر تهران در حوزه آب است که در چند دهه اخیر در ایران رخ داده است. در قرن گذشته، با اجرای برنامه‌های نوسازی دولت‌ها، ساخت سدها، انتقال آب از طریق لوله‌کشی به خانه‌ها شاهد تغییر ساخت فضایی شهری، دگرذیبی فرم طراحی فضای خانه‌ها، مناسبات اجتماعی میان شهروندان و به دنبال آن تغییرات سریع در باورها، ارزش‌ها و کنش‌های مردم در حوزه آب هستیم. بر مبنای رویکرد کلاسیک، روش نظریه داده‌بنیاد (گلیر، ۱۹۷۸) اطلاعات این تحقیق از طریق مصاحبه‌های گروهی، انفرادی و عمیق گردآوری شده است. در این روش، یافته‌ها در سه مرحله باز، گزینشی و نظری کدگذاری شده و روابط میان مقوله‌ها در یک مدل تحلیلی، تا ظهور^۵ یک نظریه برآمده از واقعیت محدود^۶ ادامه یافته است. در این فرایند، هشت مقوله اصلی شامل دگرگونی‌های ساختاری و توسعه تکنولوژیک، فاصله‌اندازی اخلاقی، تولید انبوه و مصرف تجملی، تغییر ارزش‌های بهداشتی، دگرگونی ارزش‌های مرتبط با آب، خانه به مثابه یک کل تمام، فردگرایی/خصوصی شدن، نظارت مصرف‌گرایانه و یک مقوله مرکزی «فرایند مصرفی شدن» به دست آمد که دلالت بر کل روابط میان پدیده‌های دخیل در مسئله دارد. یافته‌ها بیانگر سیر تغییرات در ارزش‌ها، باورها و کنش‌های مردم تهران در قبال آب و گسترش روزافزون مصارف شهری است.

واژگان کلیدی: مصرفی شدن، فردگرایی، دگرگونی فضایی، تغییرات فرهنگی، نظریه داده‌بنیاد.

۱. دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان؛ پست الکترونیکی: Nima.Bardiafar@gmail.com
۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی: v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir
۳. استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ پست الکترونیکی: av3kazemi@gmail.com
۴. استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ پست الکترونیکی: J_rahmani59@yahoo.com

5. emergence

6. Substantive Theory

مقدمه و بیان مسئله

ایران همواره کشوری کم‌آب بوده و مردمان آن ضمن آگاهی از این امر، برای مدیریت منابع آبی تمهیداتی اندیشیده‌اند که آنها را از گذرگاه‌های سخت تاریخی و بحران‌های زیست‌محیطی به سلامت گذرانیده است. با این حال، شواهد نشان می‌دهد طی چند دهه اخیر، علی‌رغم اینکه میانگین بارش سالانه تا حدی روندی نزولی داشته و منابع آبی کشور نسبت به دهه‌های گذشته کاهش چشمگیری را نشان می‌دهند، اما مصرف آب نرخ صعودی دارد (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

در سال‌های اخیر، ۵۱۷ شهر کشور دارای تنش آبی گزارش شده است و منابع آبی نه کلان‌شهر در سال‌های پیش‌رو دچار مشکل تأمین آب است (وزارت نیرو، ۱۳۹۳). تهران به‌عنوان بزرگترین کلان‌شهر ایران، بنابر آمارهای موجود، در زمره پرمصرف‌ترین شهرهای کشور محسوب می‌شود. براساس گزارش سال ۱۳۴۲ سازمان آب تهران، در این سال، مصرف متوسط هر نفر در شبانه‌روز ۸۴/۶ لیتر برآورد گردید (سازمان آب تهران، ۱۳۴۳: ۸۳). با مرور روند مصرف سرانه آب در سال‌های بعد، درمی‌یابیم که این روند، در غالب موارد، سیر صعودی داشته به‌نحوی که در سال ۱۳۴۵ این رقم به ۹۱ لیتر؛ ۱۳۵۲ به ۲۰۳ لیتر ... ۱۳۷۰ به ۲۸۸ لیتر و در ۱۳۷۵ به ۳۵۳ لیتر افزایش یافته است (شرکت آب و فاضلاب استان تهران به نقل از رستم‌آبادی، ۱۳۷۹: ۸۲). اگرچه طبق برنامه سوم توسعه، الگوی مصرف آب هر خانوار ۵/۲۲ متر مکعب در ماه است که به ازای هر فرد به‌طور متوسط، در شبانه‌روز ۱۵۰ لیتر در نظر گرفته شده است، در سال ۱۳۹۸، ضمن گسترش تدریجی جمعیت، نرخ بالای مهاجرت و تمرکز مراکز تجاری و صنعتی در این شهر، سرانه مصرف روزانه آب مردم تهران در حدود سه میلیون و هفتصد هزار متر مکعب (بیش از آب دریاچه چیتگر) گزارش شده است. در تهران، همه‌ساله نرخ رشد مصرف آب نسبت به سال قبل به‌طور متوسط، ۲/۵ درصد است و تهرانی‌ها روزانه ۴۰ لیتر بیش از سرانه مصرف شرب در کشور آب مصرف می‌کنند (ایسنا، ۱۳۹۸).

هرچند بخش اصلی مصرف آب شامل مصارف کشاورزی و صنعتی است با این حال، آنچه درخصوص بحران آب فاجعه‌بار به‌نظر می‌رسد و می‌تواند سایر عرصه‌های سیاسی-اجتماعی را تهدید نماید، بحران آب در سطح مصارف خانگی و روزمره مردم به‌عنوان اصلی‌ترین مصرف شهری است. برای آنکه بتوان چگونگی شکل‌گیری مکانیسم کنش مصرفی کنشگر تهرانی را فهم کرد ضروری است تا از جهان ذهنی آن آگاهی یابیم. از این حیث، در پژوهش حاضر، به‌دنبال درک معنای آب از نظر کنشگران تهرانی و چگونگی ارزش‌ها، باورها، هنجارها، احساسات و کنش‌های آنها در رابطه با آب هستیم؛ در مرحله بعد، چگونگی روند تغییرات و شکل‌گیری بنیان‌های فرهنگی درباره آب و نحوه شکل‌گیری معنای آن به‌واسطه

این بنیان‌ها مورد مطالعه و مذاقه قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، نشان خواهیم داد که فرآیند مصرفی شدن مردم در قبال آب به چه نحو اتفاق افتاده و با مصرف آب چگونه حیات اجتماعی خود را بازسازی می‌کنند.

پیشینه تجربی

با مرور پژوهش‌های انجام شده می‌توان دریافت که پیشینه تجربی قابل‌اعتنایی در حوزه مصرف و مصرف زیست‌محیطی و انرژی وجود دارد. به‌طور خاص، در حوزه مصرف آب، پژوهش‌های کمی متعددی در رشته‌های علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حسابداری، منابع طبیعی و محیط‌زیست، تاریخ و علوم سیاسی و به روش پیمایش انجام شده است (برای نمونه نگاه کنید به عسگر سبحانی، ۱۳۹۶؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۴؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۴؛ گارسیا^۱ و همکاران، ۲۰۱۶؛ بردلی^۲ و همکاران، ۲۰۱۴؛ بینت^۳ و همکاران، ۲۰۱۴) با این حال، در این میان، پژوهش‌هایی که به روش کیفی به فهم معنایی مصرف آب پردازد بسیار نادر بوده است.

حاتمی و نوربخش (۱۳۹۸) با پژوهش «بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان براساس نظریه زمینه‌ای» به درک معنای آب نزد کشاورزان سه شهر زیار، اژیبه و ورزنه در شرق اصفهان پرداختند. در اینجا، بر موضوع بحران آب از نگاه کشاورزان و حیات اقتصادی و شغلی وابسته به کشاورزی از سوی آنان تمرکز گردید. حاجی‌زاده میمندی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش «مطالعه کیفی مصرف آب در نگاه زنان شهر اصفهان» به روش نظریه داده‌بنیاد به بیان تجربه و تفسیر زنان اصفهانی از مصرف آب و کم‌آبی مبادرت ورزیدند. از نگاه زنان تمامی مقوله‌های اکتشافی در پژوهش ذیل مقوله مرکزی «فرهنگ و زیرساخت» قابل طرح است. فرهنگ صرفه‌جویی، درک خطر و مسئولیت‌پذیری، آگاهی و آموزش، بهره‌گیری از فناوری مصرف آب و مدرن شدن از جمله مهم‌ترین متغیرهایی هستند که ذیل مقوله فرهنگ و زیرساخت مطرح شده‌اند. رجاییان و همکاران (۱۳۹۷) در «تجارب زیسته دانش‌آموزان دوره تحصیلی ابتدایی از پیشرفت مصرف آب» به مطالعه کیفی دانش‌آموزان اصفهانی و نحوه نگرش، آگاهی و رفتار آنها در قبال آب سخن می‌گویند. درنهایت، کشاورز و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش «تجربه اجتماعی خشک‌سالی در ایران روستایی» با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد در دو روستای استان فارس به این نتیجه رسیدند که خشک‌سالی می‌تواند به طیف وسیعی از معضلات اجتماعی و مشکلات حوزه سلامت، مانند مهاجرت از روستا به شهر، فروپاشی خانواده‌ها، کاهش کیفیت زندگی، ایجاد مشکلات روحی و روانی منجر شود.

1. Garcia
2. Bradley
3. Beint

چنانچه اشاره شد، با وجود حجم قابل اعتنای کارهای انجام شده در این حوزه، پژوهش‌های بسیار اندکی وجود دارد که با بهره‌گیری از راهبرد روش‌شناختی کیفی به مطالعه ابعاد فرهنگی مصرف آب بنشیند. روش نظریه داده‌بنیاد برای درک معنایی شناخت عمیق ذهنیت شهروندان تهرانی امکان شناخت چندبعدی واقعیت فرهنگی، روانی و اقتصادی حیات اجتماعی آب در تهران را فراهم می‌آورد. کشف الگوی بنیادین فرایند اجتماعی^۱ مواجهه با آب در تهران به‌عنوان بزرگترین کلان‌شهر کشور و پرمصرف‌ترین شهر ایران ضمن اینکه گامی مؤثر در شناخت سویه‌های بحران آب در این شهر است، می‌تواند درک مناسبی برای فهم زمینه‌های فرهنگی بروز مسئله در سایر شهرهای کشور به‌دست دهد.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی غالب در این پژوهش، رویکرد نظری برساختی-تفسیری است. این رهیافت نظری ذیل نظریه کنش متقابل ارائه شده است. این نظریه انسان را موجودی فعال، خلاق و معناساز می‌داند که مدام در حال خلق، معنادار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات روزمره آن است؛ لذا محیط اجتماعی برخلاف نظریه، به‌خودی‌خود بی‌معناست و انسان‌ها آن را از طریق پیوند معانی و نمادهای عینی معنادار می‌کنند. اگر انسان موجودی خلاق و معناساز باشد، واقعیات ساخته او سیال، شناور و بدون ساختار و قواعد ثابت و جهان‌شمول خواهند بود (دنزین^۲، ۲۰۰۵ به نقل از محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۱۹۵).

براساس رویکرد نظریه کنش متقابل، ساختارها محصول تعاملات روزمره‌ای هستند که افراد در جامعه انجام می‌دهند. مردم با تکیه بر آنچه از واقعیت فهم می‌کنند، به تعامل با یکدیگر پرداخته و براین‌اساس به برساخت واقعیتهای اقدام می‌کنند که وجودی عینی و جبری داشته و خارج از فرد به حیات خود ادامه می‌دهد؛ باین‌حال، واقعیت به‌شکلی سیال و بسته به برداشت کنشگران از آن و با اتخاذ استراتژی‌های مناسب کنش ازسوی آنان بازتولید می‌شود. ازسوی دیگر، ازآنجاکه تفسیر مردم از دنیای اطراف خود، در زندگی شرایط اجتماعی روزمره شکل می‌گیرد، معانی آن نیز به این شرایط وابسته‌اند و در درون متن اجتماعی، معنادار می‌شوند (گوبا و لینکلن^۳، ۲۰۰۵: ۱۹۷). این نظریه نشان می‌دهد که انسان خلاق و معناساز جهان اجتماعی خود را از راه بازاندیشی برساخت می‌کند. او در فرایندی مستمر و سیال، برای درک جهان پیرامونی به ساخت معنا از امور روزمره دست می‌زند. در چارچوب روش‌شناسی تفسیری، فارغ از آنکه واقعیت برساختی اجتماعی است و ازاین‌رو، شناخت تحولات و بازتولید هر روزه آن برای فهم واقعیت

1. Basic Social Process
2. Denzin
3. Guba and Lincoln

اجتماعی، که از این مجرا ساخته می‌شود، اهمیت بسیار دارد، درک پیامدهای اجتماعی چنان واقعیتی، که با تکیه بر پیش‌داشتهای ذهنی کنشگران خلق می‌شود، واقعیتی در جریان تلقی می‌شود که از اهمیت زیادی برخوردار است. از این‌رو، نه تنها واقعیت اجتماعی حاصل تعاملات روزمره مردم و اتخاذ استراتژی‌های مناسب از سوی آنان در کنش متقابل است، بلکه برون‌داد این فرایند به پیامدهایی واقعی منجر می‌شود که درک آن نیازمند فهم بنیان‌های اجتماعی تعاملات مردم در قبال آن است.

در این روش، بر شیوه‌های گوناگون معنابخشی به پدیده‌ها، رویدادها، تجربیات و عناصری مانند آن تأکید می‌شود. بر مبنای این قاعده روش‌شناختی لازم است دیدگاه فرد، از جهات گوناگون، بازسازی شود. این بازسازی نخستین‌بار به صورت نظریه‌های شخصی تفسیر جهان، یا دست‌کم حیطه خاصی از پدیده‌ها برای خود فرد است (ریتزر، ۱۳۹۴: ۳۰۳)؛ لذا این واقعیات، که سیال و محتمل هستند، نه کشف و کنترل بلکه صرفاً درک و تفسیر می‌شوند. با اتکا به بصیرتی که رویکرد تفسیری برای درک ساخت اجتماعی واقعیت می‌دهد، می‌توان نحوه شکل‌گیری فرایندهای اجتماعی را فهم کرد. بر این اساس، مصرفی شدن فرایندی است که طی آن نظام ارزشی، هنجاری و کنشی کنشگران در مواجهه با تغییرات اولیه ساختاری جهان زیست دگرگون می‌شود؛ وضعیتی که کنشگران عاملانه به بازتولید آن اقدام می‌کنند. برای شناخت واقعیت بیرونی باید الگوی فرایند اساسی اجتماعی (در اینجا فرایند مصرفی شدن) را از خلال تعاملات روزمره مردم در گذر زمان، استخراج کرد؛ لذا بررسی فرایند تغییرات ساختاری_ارزشی جامعه، که به تغییر در محاسبات ذهنی در قبال آب و به دنبال آن، تغییر در رفتار و بروز مسئله انجامیده است، اهمیت می‌یابد. با استناد به چارچوب مفهومی بالا، طرح الگو و نظریه داده‌بنیاد مربوط به فرایند مصرفی شدن، پس از ارائه یافته‌های میدانی و بحث و نظر در باب مقوله‌های منتج از میدان تحقیق خواهد آمد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. میدان مورد مطالعه پژوهش حاضر شهر تهران است. به جهت تنوع بالای فرهنگی_طبقاتی ضمن آنکه تمرکز اصلی ما بر وجهه مفهومی و اشباع نظری مقوله‌های کشف شده بود، به‌طور هم‌زمان، کوشش شد مصاحبه‌ها در مناطق مختلف شهر گردآوری گردد. بدین منظور از یافته‌های پژوهشی سراج‌زاده و محمدی (۱۳۸۹) بهره برده شد. در این پژوهش، مناطق شهر تهران براساس سه شاخص اقتصاد، تحصیلات و مهاجرت با تکیه بر تکنیک تحلیل خوشه به ۱۰ خوشه اصلی دسته‌بندی شدند. با توجه به سه عامل بالا هر خوشه شامل محلاتی متشکل از یک یا چند منطقه از این شهر است. بدین منظور از خوشه‌های نزدیک به هم در پنج نقطه از تهران (خزانه، حصارک، دهکده المپیک، ایرانشهر و دزاشیب) مصاحبه‌ها گردآوری شدند. نمونه‌گیری هدفمند و حداکثر تنوع دو تکنیک

اصلی نمونه‌گیری در این پژوهش بودند. یکی از ملاک‌های گزینش نمونه، ناظر بر انواع مشترکین پرمصرف، کم‌مصرف و با مصرف متوسط بوده است. بدین منظور، قبض آب دوره‌های اخیر مصاحبه‌شوندگان مورد مشاهده قرار گرفت.

برای احصای مصاحبه‌شوندگان با توجه به ملاک‌های مورد نظر از افراد در دسترس با ملاحظه تنوع، نمونه اولیه انتخاب شد. در مرحله بعد، با استفاده از یافته‌های اولیه و معرفی افراد مناسب براساس ملاک‌های موردنظر، انتخاب‌های بعدی انجام گرفت. این کار در خلال تحلیل و تفسیر شواهد و مدارک اولیه، مشاهدات و مصاحبه‌های نخستین انجام می‌شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت و تا جایی ادامه یافت که به لحاظ نظری مفاهیم اصلی پژوهش شناسایی شده و به نظر نکته جدیدی برای شناسایی باقی نمانده بود. در مجموع، فرایند اشباع با ۳۰ مصاحبه به انجام رسید. ذکر این نکته نیز ضروری است که بخش بزرگی از ساکنین امروز تهران، که عملاً در مصرف منابع آبی این شهر سهیم‌اند (و از این حیث، غیرقابل چشم‌پوشی‌اند)، را مهاجرینی تشکیل می‌دهند که در سال‌های اخیر، به آن نقل مکان کرده‌اند؛ از این حیث بدیهی است بخشی از مصاحبه‌ها به این افراد اختصاص یابد؛ کسانی که تا حدی تجربه‌های زیسته آنها با ساکنین اصلی تهران متفاوت است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان فردی و گروهی

میزان تحصیلات				وضعیت تأهل		جنسیت	
حوزوی	کارشناسی ارشد و دکتری	کارشناسی	ابتدایی تا دیپلم	متاهل	مجرد	مرد	زن
۴	۷	۱۰	۹	۱۶	۱۴	۱۵	۱۵
سن				وضعیت اشتغال			
بیش از ۵۰ سال	۴۰ تا ۵۰ سال	۳۰ تا ۴۰ سال	کمتر از ۳۰ سال	بیکار	دانشجو	خانه‌دار	شاغل
۷	۷	۸	۸	۵	۷	۷	۱۱
مصاحبه گروهی							
خانواده با فرزند (دو فرزند)				خانواده بی‌فرزند (زوج)			
۱				۱			

برای به‌دست‌آوردن اطلاعات به‌طور خاص، از مصاحبه عمیق و باز، مشاهدات و اطلاعات پژوهشگران این مطالعه در مورد جامعه تهران بهره گرفته شد؛ نویسندگان این نوشتار ساکن شهر تهران هستند و سال‌هاست با فرهنگ این مردم زندگی می‌کنند. تحلیل داده‌ها و ارائه الگو یا نظریه نهایی با استفاده از رویکرد کلاسیک روش نظریه داده‌بنیاد (گلیزر، ۱۹۷۸) انجام گرفت. پس از انجام هر مصاحبه، به تقطیع عناصر آن و یادداشت‌نویسی، کدگذاری باز، کدگذاری گزینشی (دسته‌بندی مقوله‌ها) و کدگذاری نظری انجام شده است. در اینجا ارزش‌ها، اعتقادات، احساسات، کنش‌ها و پیش‌فرض‌های افراد درخصوص آب

مورد مطالعه قرار گرفته و مرحله به مرحله طی فرایند «مقایسه مداوم» میان کدهای اولیه، سطوح بالاتر انتزاع و ایجاد مقوله‌های سطح بالاتر؛ یعنی کدهای نظری نمایان شد (اوکهارت، ۲۰۱۳). در ادامه، ترسیم روابط میان مقوله‌های گزینشی و پاسخ به پرسش‌هایی درخصوص نسبت میان مقوله‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری الگو و/یا نظریه مربوط به مصرف آب شد.

در باب قابلیت اعتماد و کیفیت ابزار و یافته‌ها، ذکر این نکته ضروری است که پژوهش حاضر به مدت چهار سال در میدان مورد بحث به طول انجامید. در بحث، از ابزار گردآوری یافته‌ها نوعی زاویه‌بندی یا چند سویه‌نگری انجام گرفت؛ بدین‌نحو که مصاحبه‌های عمیق، باز، فردی و گروهی در کنار مشاهده آزاد و مستقیم، به همراه مطالعه مدارکی چون قبض آب خانواده در دستور کار قرار گرفت. در مرحله کدگذاری نیز نوع دیگری از زاویه‌بندی انجام گرفت که به واسطه آن از دو نفر از پژوهشگران خواسته شد تا به کدگذاری بخش‌های مختلف مصاحبه‌های انجام شده یا تصاویری که مورد بررسی قرار گرفته بود اقدام کنند. این امر سبب شد تا نسبت به صحت کدگذاری و درک واقعیت اطمینان بیشتری حاصل گردد. پس از آنکه یافته‌ها نهایی شد و مدل شماتیک نهایی پژوهش، که به بیان روابط میان تم‌های استخراجی می‌پرداخت، تدوین گردید، از چهار نفر از پژوهشگران درخواست شد تا نمودار و نظریه استخراجی را مورد ارزیابی قرار دهند. این تکنیک اعتباریابی را کرسول (۲۰۱۲: ۴۴۲) «تکنیک تشخیص بیرونی» می‌نامد که دلالت بر تصدیق‌پذیری پژوهش دارد. با استفاده از روش «کنترل توسط اعضا» مدل و نظریه مستخرج از یافته‌های پژوهش برای پنج نفر از مصاحبه‌شوندگان تشریح شد و از آنان خواسته شد تا نسبت به صحت فهم ما از آنچه در حیات روزمره آنان اتفاق می‌افتد، اظهارنظر کنند. ضمن تأیید بخش اصلی یافته‌ها و تشخیص پژوهشگر نسبت به روابط میان آنها، مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این مرحله به آن تصریح داشته‌اند اصلاح گردید.

یافته‌ها: مفاهیم استخراج شده

یافته‌های این بخش براساس الگوی رویکرد کلاسیک روش نظریه داده‌بنیاد در سه بخش کدگذاری باز، گزینشی و نظری ارائه شده است. پس از کدگذاری باز و تولید اولیه مفاهیم، در بخش کدگذاری گزینشی، هشت مقوله اصلی به دست آمد. حاصل روابط میان این مقوله‌ها در بخش انتهایی مقاله و پس از توضیح مقوله‌ها، در قالب مدل فرایند مصرفی شدن آب ارائه خواهد شد.

جدول شماره ۲: مفاهیم و مقوله‌های کشف شده

مقوله هسته	مقوله‌های اصلی	مفاهیم اولیه
صرفی شدن آب	دگرگونی ساختاری و توسعه تکنولوژیک	احداث سدها؛ لوله‌کشی آب به شهرها و خانه‌ها؛ الزام‌های شهرسازی و مهندسی جدید فضای خانه‌ها؛ تکنولوژیک شدن خانه
	فاصله‌اندازی اخلاقی	جدایی و دور افتادن از منابع و مخازن تأمین‌کننده آب؛ جدایی میان عمل و پیامدهای آن
	تولید انبوه و مصرف تجملی	ارزانی آب؛ در دسترس بودن آب؛ تأکید بر شأن انسان مدرن؛ منطقی شدن مصرف؛ دسترسی به حمام و توالیت؛ مراجعه بیشتر به توالیت در اثر وفور مواد غذایی؛ استفاده تجملی از ظروف در سفرها؛ تغییر سبک غذایی پرکالری و چرب؛ ضرورت شستشوی ظروف تا مرز درخشندگی؛ تعویض روزانه لباس؛ ارزانی و دسترسی به مواد شوینده؛ استفاده از تجهیزات رفاهی لوکس آبی؛ طراحی وان، جکوزی و استخر در خانه‌ها
	تغییر ارزش‌های بهداشتی	بهداشتی شدن زندگی؛ اهمیت یافتن شستشوی بدن، لباس، ظروف، فضا و وسایل خانه
	دگرگونی ارزش‌های مرتبط با آب	رشد عقلانیت ابزاری و افول عقلانیت زیست‌شناختی؛ جایگزینی فرهنگ مصرف در برابر ارزش‌های مصرفی زهدگرایانه؛ تقدس زدایی از آب؛ کالایی شدن آب
	خانه به‌مثابه یک کل تمام	ضرورت حضور زنجیره‌ای از اشیاء در خانه؛ اغواگری اشیاء؛ بروز نیازهای کاذب
	فردگرایی/خصوصی شدن و نظارت‌گریزی	کارکرد و ضرورت جمع‌گرایی در گذشته؛ گذار جامعه از جمع‌گرایی به فردگرایی؛ خصوصی شدن فضاها؛ نظارت‌گریزی به جهت خصوصی شدن
	رشد نظارت مصرف‌گرایانه	نظارت دیگران بر فرد؛ نظارت فرد بر خود؛ رعایت بهداشت در فضاهای خانه؛ مهم شدن ضرورت‌های زیبایی‌شناختی در کنار جنبه‌های بهداشتی؛ رشد فانتزی‌های مدرن و مصرفی در زیباسازی فضا

۱. دگرگونی‌های ساختاری و توسعه تکنولوژیک

دگرگونی‌های حوزه مصرف در ایران را باید در شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی معنا کرد. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که بعدها پایه تحولات فرهنگی شد به تصمیمات سیاسی کلانی بازمی‌گردد که زمینه‌ساز دگرگونی‌های ساختاری در فضای شهری و نحوه تعامل شهروندان با محیط‌زیست گردید. شهروند امروز برای تهیه آب دیگر نیازمند حفر قنات، چاه یا احداث آب‌انبار نیست. احداث سدها و لوله‌کشی آب به درون منازل سبب شد تا نحوه مواجهه با آب متحول گردد. شرایط جدید که ناشی از مهندسی سازه‌های آبی و انتقال آب و عرضه آسان آن به خانه‌های شهری است موجبات تغییرات ساختاری مصرف آب را فراهم آورد به نحوی که دیگر از آن زحمت و تلاش روزانه برای تهیه آب اثری نیست. لوله‌کشی آب به درون ساختمان‌های شهری تحولی است بنیادین و آب تجمیع شده در پشت سدهای عظیمی که در بیرون شهر بنا شده را به دست مصرف‌کننده می‌رساند. یکی از مصاحبه‌شوندگان که ۲۵ سال پیش به تهران نقل مکان کرده در این رابطه می‌گوید:

«بچگیا تو خونه شیر آب نداشتیم، چاه و تلمبه بود، ولی بعداً شیر هم اومد. با دست تلمبه می‌زدیم و آب رو بالا می‌کشیدیم و تو ظرف یا آفتابه پر می‌کردیم ... بعدش دیگه شیر بود و همه‌جا لوله‌کشی شد. توالتا شیر آب داشت، اما شلنگ نداشت و آفتابه رو می‌داشتی زیر شیر و پر می‌کردی. می‌خوام بگم با یکی دو آفتابه کارت تموم می‌شد. اما الان شیر و شلنگ هست و مصرف بیشتر» (شاهین، ۴۴ ساله).

یکی دیگر از تغییرات بنیادی در این حوزه به الزام‌های شهرسازی و مهندسی فضای خانه‌ها با توجه به اقتصاد شهری بازمی‌گردد. رشد و گسترش شهرها، شکل‌گیری طبقه متوسط و زندگی شهری جدید، آپارتمان‌های کوچک و زیست جمعی درون مجتمع‌های مسکونی سبب شد تا در طراحی منازل، دگرگونی شگرفی رخ داده و آپارتمان‌های با متراژ کوچک و متوسط در عرصه زیست شهری رخ بنماید. این امر سبب شد تا در ساختمان‌های جدید، توالت یا مستراح، که پیش‌تر در حیاط خانه‌ها بود، به درون آپارتمان منتقل گردد. حمام نیز به یاری لوله‌کشی آب شهری و رونق تکنولوژی انتقال آب به فضایی خانگی مبدل شد و برخلاف گذشته، دیگر به عنوان مکانی عمومی نبود که مردم از آن به‌طور مشترک بهره بگیرند.

بنا کردن توالت و حمام در ساختمان تحول مهمی بود و به‌لحاظ فرهنگی، اقتضانات جدیدی را طلب می‌کرد. طراحی حمام و توالت در اتاق خواب و/یا بخشی از فضای عمومی‌تر خانه (هال یا در راهروها) سبب شد تا نحوه تعامل خانواده‌ها با این فضاها تغییر کرده و آن را به‌مثابه قلب بهداشت خانه و نشانه‌ای از فرهنگ خانواده تلقی کنند؛ وضعیتی که سبب شد با توجه به تحولات هم‌زمان جامعه از مفهوم بهداشت، نظافت مداوم این فضاها در مرکز توجهات قرار گیرد درحالی‌که پیش‌تر مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفت و از آن صرفاً به‌عنوان جایی برای قضای حاجت و دفع و تخلیه استفاده می‌شد.

«قبلتا توالتا تو حیاط بود و بویی که داشت کسی رو اذیت نمی‌کرد، واسه همین بهداشتش اون‌قدر مهم نبود، اما امروز آلودگی تو دل خونه است و همیشه بی‌خیالش بود» (احمد، ۶۵ ساله).

تعبیه سینک آشپزخانه و بعدها ساخت و تولید ماشین ظرف‌شویی و لباس‌شویی نیز از جمله تحولات تکنولوژیک بنیادینی است که به شکل مضاعفی، زمینه تعامل انسان با آب و محیط‌زیست را دگرگون ساخت. حضور سینک ظرف‌شویی و لگن پس از انتقال آب به‌واسطه لوله‌کشی شهری سبب شد تا دیگر نیازی به شستشوی ظروف و لباس‌ها در کنار چشمه‌ها، قنات یا آب‌انبارهای عمومی نباشد. شستشو در خانه، تحولات قابل‌اعتنایی را به‌لحاظ ساختاری فراهم آورد که در رشد مصرف آب مؤثر بود.

«بچگیا روستا بودیم، اون موقع با دلو آب می‌بردیم ظرف‌ها رو می‌شستیم. شیر محل فشاری بود و باید هر بار با زحمت فشار می‌دادیم تا آب بیاد. استخراج آب کلی زحمت داشت. همون‌جا می‌شستیم. حدود ده سال بعد، لوله‌کشی شد تو خونه‌ها. اون‌وقت تو روستا خیلی کم مصرف می‌کردیم و سریع آب رو می‌بستیم و احساس می‌کردیم که آب محدوده. بیزررها هم بودن و خیلی غر می‌زدن که آبو ببند. تا به خرده باز می‌داشتیم دعوامون می‌کردن» (مریم، ۵۵ ساله).

حضور تکنولوژی شستشوی ظروف و لباس‌ها ضمن حذف انسان از فرایند شستشو به نحو فزاینده‌ای بیگانگی کنشگر را با محیط‌زیست و به‌طور خاص، منابع آبی تسریع نمود به‌نحوی که هرچند این ابزارها مصرف بهینه آب و انرژی را نسبت به دوران گذشته نوید می‌دادند اما به جهت آسانی استفاده و رشد و گسترش فرهنگ مصرفی، که با خود به همراه آوردند، زمینه مصرف بیشتر را فراهم ساختند.

۲. فاصله‌اندازی اخلاقی

جدایی میان عمل و پیامدهای آن: مقایسه نحوه مواجهه انسان با آب و تغییرات ساختاری مرتبط با آن در دهه‌های اخیر، نشان می‌دهد که تجمیع آب به‌واسطه سدهای عظیم بتونی و انتقال آن به منازل، پیامدهای فرهنگی زیادی به همراه داشته که به فرایند مصرفی شدن کمک کرده است. بدین ترتیب، به جهت پاره‌ای از تغییرات در ساختار حیات سیاسی-اجتماعی و تغییرات فرهنگی ناشی از آن در چند دهه اخیر، میان اندیشه کم آب بودن منطقه و نیاز به مدیریت و صرفه‌جویی منابع آبی اختلال ایجاد شده و این امر به مصرف شدید منابع آبی کشور انجامیده است. در این دوران، گفتمان توسعه با ثابت در نظر گرفتن منابع آبی در پی تحمیل خواست خود بر مقتضای طبیعی و ساخت سازه‌های عظیم بتونی و دست‌کاری محیط طبیعی است. مصرف بی‌رویه آب در بخش کشاورزی در روستاها و فاصله‌اندازی میان زندگی انسانی و زیست طبیعی در شهرها، سبب شد تا محدودیت منابع طبیعی از حوزه تمرکز اجتماعی خارج و مصرف بی‌رویه به لحاظ فرهنگی دیگر امری مذموم و غیراخلاقی تلقی نگردد؛ وضعیتی که به تدریج عقلانیت ابزاری^۱ را جایگزین عقلانیت زیست‌محیطی^۲ کرده، به کالایی شدن محیط‌زیست منجر شد و یکی از زمینه‌های ساختاری بحران آب را رقم زد.

«اگر از چاه قرار بود آب بگیرم کمتر مصرف می‌کردم ولی الان فکر می‌کنم زیاده» (افروز، ۱۴ ساله).
 «از وقتی آگاهی پیدا کردیم آب کمه، یه ذره دلمون می‌سوزه و یادمون که میاد آبی می‌بندیم، ولی خیلی جاها این کار رو نمی‌کنیم. چون همیشه دیدیم همه فقط حرف می‌زنن. آب تو شیر هست و فراوونه. یه بار که داشتیم می‌رفتم کیش تو راه تابلو رو که دیدم دلم سوخت. نوشته بود اینجا جنوب است، آب شیرین کم است و زمین خشک است. اینجا شمال نیست، در مصرف آب مسئولانه رفتار کنیم ... با التماس! اما وقتی شیر آب رو باز کردم دیدم عه! آب که فراوونه! و فقط حرفه» (دل‌آرام، ۴۴ ساله).

در گذشته، مصرف‌کننده برای تهیه مایحتاج مربوط به آب لازم بود تا به قنات‌ها یا آب‌انبارها رجوع کرده و با صرف انرژی و زحمت زیاد مقادیری از آب را برای مصارف روزمره به خانه بیاورد و این مقدار بیشتر صرف خوراک و پخت‌وپز می‌شد. بعدها نیز، هنگامی که آب مصرفی خانواده‌ها با استفاده از درشکه و

1. Instrumental rationality
 2. Ecological rationality

اسب توزیع می‌شد، ضمن صرف هزینه و انرژی زیاد، مقادیر اندکی از آب به دست مصرف‌کننده می‌رسید و همین امر رفتار مصرفی او را محدود می‌ساخت درحالی‌که امروزه نوعی از جا‌کندگی فضایی رخ داده و میان سرچشمه‌های تأمین آب و مصرف‌کننده نهایی فاصله افتاده است. این اتفاق سبب شده تا فرد در فضایی متفاوت از واقعیت‌های مرتبط با ذخایر و منابع آبی کشور به سر برد. به تعبیر دیگر، آنچه فرد تجربه می‌کند اهرم‌های شیر آبی است که همواره به نحوی پرفشار مقادیر نامحدودی از آب از آنها خارج می‌شود. شیر آشپزخانه، روشویی، توالت و حمام بی‌وقفه و با حداقل اراده به‌آسانی مقادیر زیادی از آب و تا مرز اشباع، نیاز مصرف‌کننده را عرضه می‌کنند این درحالی‌است که حجم بالای مصرف به‌خصوص زمانی که بحران‌های زیست‌محیطی مانند خشک‌سالی با آن همراه شود. منابع اصلی ذخیره و تأمین آب (سدها) را هر روز تهی‌تر ساخته و به سرعت شرایط بروز بحران آب را تسهیل می‌کند. در چنین شرایطی، نوعی فاصله‌اندازی اخلاقی رخ داده است. بدین ترتیب، میان کنش (مصرف سهل‌انگانه آب) و پیامدهای کنش فاصله افتاده و کنشگر به پیامدهای عمل خود آگاه نیست؛ درحالی‌که پیش از این، با توجه به ارتباط مداوم مصرف‌کننده نهایی با منابع تأمین و ذخیره آب (چاه‌ها، آب‌انبارها یا قنات‌ها) فرد به تغییرات رخ داده در منابع آب آگاهی داشت، امروزه جدایی و دور افتادن از منابع و مخازن تأمین‌کننده و فاصله میان منبع تولید و مصرف‌کننده سبب شده است تا نوعی باور به‌وفور، فراوانی و ناآگاهی نسبت به پیامدهای رفتار مصرفی شدیدی که در پیش گرفته شده شکل گیرد.

۳. تولید انبوه و مصرف تجملی

بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن برای گردآوری و ذخیره منابع آبی و انتقال گسترده آن به خانه‌های شهری سبب شد تا باور به‌وفور این منابع و پایان‌ناپذیری آن در ذهن شهرنشینان قوت یابد. این وضعیت به نوبه خود فرهنگ خاصی را ایجاد می‌کند که طی آن، مصرف بی‌رویه منابع امری عقلانی جلوه کند. اقتضای وجود حمام در خانه و باور به شأن انسان مدرن این است که عمل استحمام به‌طور مداوم (هر روز یا چندبار در هفته) صورت گیرد. تحمل هرگونه بوی نامطبوع در شهرها دیگر پذیرفته نیست و لباس زیر و در مواردی تمامی لباس‌ها به‌طور روزانه، مهبیای شستشو می‌شوند.

«شاید پنجاه تا مانتو، همین قدرم شلوار و کفش دارم. هر روز لباس زیرمو عوض می‌کنم. مانتوم رو هم

هرروز که از اداره پیاده برمی‌گردم می‌ندازم واسه شستشو. یو می‌گیره آخه» (سارا، ۵۳ ساله).

«هرروز باید دوش بگیرم. خانوما خیلی حساسن، واسه همین تا میام خونه خانوم منو می‌ندازه تو

موم. اونا بوهایی رو حس می‌کنن که ما نمی‌فهمیم (با خنده)» (مهدی، ۳۸ ساله).

از آنجاکه مصرف مواد خوراکی نسبت به گذشته بیشتر شده و دسترسی آسان‌تری به خوراک و مایعات وجود دارد، حجم مراجعه به توالیت نیز افزایش یافته است. تعبیه توالیت و حمام درون آپارتمان یکی دیگر از عوامل مراجعه مداوم به آنها به محض احساس نیاز به قضای حاجت یا استحمام است.

دسترسی آسان به مواد غذایی سبب شد تا سطح کالری دریافتی روزانه افزایش یابد این امر هنگامی که با رشد فرایند متمدن شدن، تقویت فردگرایی و روحیه تجمل‌گرایی همراه شد زمینه استفاده از ظروف بیشتری را در هر وعده غذایی فراهم آورد؛ سرو انواع ترشی، ماست، نوشیدنی، خورش و برنج، به‌طور مجزا، در ظروفی جداگانه صورت می‌گیرد. مصرف میوه، دسر، چای و قهوه در چند نوبت از شبانه‌روز، موجب می‌شود که در مجموع، حجم بالایی از ظروف آلوده برای شستشوی روزانه برجای بماند. رعایت آداب غذا خوردن از یک سو و میل سیری‌ناپذیر مصرف انواع خوراک، میوه و نوشیدنی‌های متنوع از سوی دیگر، زمینه‌ساز مصرف مستقیم آب به‌نحو بی‌سابقه‌ای شده است. تغییر عادات غذایی و استفاده از روغن در وعده‌های روزانه سبب شده است تا حجم استفاده از شوینده‌ها برای پاک کردن ظروف بیشتر شود درحالی‌که در گذشته، صرفاً با استفاده از آب یا خاک و خاکستر شستشوی ظروف به‌نحو سریع‌تری، انجام می‌گرفت. علاوه‌براین، با توسعه ارزش‌های جدید در باب بهداشت و سلامتی از یک سو و ارزش‌های زیبایی‌شناختی از سوی دیگر، استفاده از انواع مواد شوینده برای شستشوی ظروف رونق گرفته است. به‌این ترتیب، شستشوی ظروف آغشته شده به مواد خوراکی تا درخشان شدن کامل ظرف‌ها و پاک شدن کامل مواد شوینده از روی آن ادامه می‌یابد.

«مایع ظرف‌شویی خودش لزجه و حسابی باید آبکشی بشه و چون بهمون گفتن مایع ظرف‌شویی

سرطان‌زاست، فکر می‌کنی باید بیشتر آب بکشیش تا مایع ازش جدا شه» (مریم، ۴۶ ساله).

این وضعیت درخصوص مصرف لباس نیز به‌نحوی مشابه اتفاق می‌افتد. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد هریک از مصاحبه‌شوندگان چندین پیراهن، تی‌شرت، پولوشرت، شلوار پارچه‌ای، کتان و جین، چندین کت، کاپشن و ده‌ها کفش اعم از اداری، کالج، کتانی، کفش کوهنوردی و... دارند بدون آنکه بدان آگاهی یا حضور ذهن داشته باشند. تعویض روزانه لباس زیر و بعضاً پیراهن یا شلوار بالاپوش بعد از هر روز کاری، به جهت عادت روزانه، ناشی از رشد حساسیت‌های بهداشتی، نظارت دیگران و ترس از قضاوت منفی ناشی از شلختگی و آلودگی لباس‌ها، از بین رفتن خطوط اتوی لباس‌ها و چروک شدن آن و نیز ضرورت ظاهر شدن در محیط رسمی با لباس‌های متنوع، سبب شده است تا لباس‌ها به‌نحو فزاینده‌ای مورد شستشو قرار گیرند. وجود آب در دسترس، ماشین لباس‌شویی تمام اتوماتیک، ارزانی آب و مواد شوینده از جمله عوامل رشد فرهنگ شستشوی بی‌رویه لباس‌ها هستند. شستشوی سالانه فرش، قالی و پرده از

دیگر مواردی است که از قاعده ضرورت التزام به ارزش‌های معطوف به بهداشت و وجوه زیبایی‌شناختی مرتبط با آن پیروی می‌کند.

«لباسامو هر روز می‌ندازم واسه شستشو؛ چه لباس زیر باشه و چه رو، مته مانتو. تا حالا تعداد ماتوهامو

نشمردم ولی از ده تا که می‌دونم بیشتره. شلوارم هفت هشت تایی فکر کنم باشه» (زهره، ۵۴ ساله).

استفاده از وان حمام و استخر خانگی برای تمدد اعصاب و رفع خستگی روزانه از دیگر موارد استفاده‌های لوکس خانگی در دوران مدرن است. جالب توجه است که با وجود آگاهی از بحران آب، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مشتاق داشتن وان یا استخر خانگی در منزل هستند. به نظر می‌رسد این قبیل مصارف خانگی با فانتزی مدرن برخورداری از زندگی لوکس و اشرافی پیوند خورده است و شهرنشینان مفتون بهره‌مندی از این سطح از رفاه و زندگی تجملی هستند.

«اگه خدا بخواد، خونه‌ای که داریم می‌سازیم، می‌خوایم توش استخر بزنیم. اگه استخر باشه حتماً ارزش

استفاده می‌کنم. دوست دارم خیلی... با اونکه می‌دونم آب نیست و میگن آب کمه ولی راستشو بخوای

نه، این باعث نمی‌شه که نخوایم استخر بزنیم تو خونه و یا ارزش استفاده نکنیم» (میترا، ۴۵ ساله).

۴. تغییر ارزش‌های بهداشتی

باور به ضرورت رعایت بهداشت و پرهیز از میکروب و باکتری‌ها امری است که ریشه‌ای طولانی در حیات جامعه ما ندارد. در گذشته، تهویه هوا بهترین راه برای حل مشکل بیماری تلقی می‌شد و طراحی معماری خانه‌ها به نحوی بود که گردش هوای نامطبوع به بهترین شکل انجام پذیرد. در گذشته، برای بهبود بیماری بر وجود میکروب یا باکتری اشاره‌ای نشده بود و صرفاً گردش هوا و کوشش برای تهویه مطبوع آن در فضای بسته راه‌حلی مطلوب برای حل مسئله بیماری تلقی می‌شد. نمی‌توان سهم تغییر باورها و ارزش‌های بهداشتی در رشد مصرف آب در خانه‌های امروز را نادیده گرفت. در نتیجه این تغییر در نظریه و ارزش‌های بهداشتی بود که اهمیت زدودن کثافت و میکروب از خانه و فرد رونق یافت. توجه به ضرورت رعایت بهداشت زمینه‌های مصرف بالای آب و شستشوی بیشتر اشیاء، بدن و فضاهای خانه را افزایش داده است. شستشوی مداوم ظروف، لباس‌ها، حمام و توالت، فرش‌ها، خودروی شخصی، بدن و به‌طور کلی، هر آنچه قابل شستشو است، در فرهنگ امروز، به‌شدت ضروری به‌نظر می‌رسد؛ در حالی که در گذشته، چنین تصویری از اشیاء وجود نداشت و به این واسطه، ضرورتی برای رعایت بهداشت احساس نمی‌شد. تلقی توالت، به‌عنوان فضایی آلوده و غیربهداشتی، سبب شده است تا تأکید مضاعفی بر اعمال بهداشت در آن و شستشوی مداوم فضا صورت گیرد در حالی که در گذشته‌های نه‌چندان دور، زمانی که توالت در انتهای حیاط خانه‌ها قرار داشت و افراد با برداشتن آفتابه‌های پلاستیکی و مسی از حوضچه حیاط یا بشکه‌های ذخیره آب به رفع حاجت

اقدام می‌کردند، چندان تمیز و بهداشتی نبود و مهم‌تر اینکه هیچ‌کس برداشتی از احتمال بروز بیماری در اثر آلودگی فضای توالت نداشت.

«الان حساسیت نسبت به بهداشت خیلی بیشتر شده. قبلنا توالتا این قدر تمیز نبودن. دمپایی همیشه توش آب جمع می‌شد و چندش آور بود. در و دیوارای توالتا هم همش تار عنکبوت بسته بود و کلی حشره توش گیر کرده بود اما کسی اهمیت نمی‌داد» (مرتضی، ۴۴ ساله).

فکر می‌کنم نگاهمونه که تغییر کرده. قدیما هفته‌ای یه بار حمام می‌رفتی و چند برابر الانم کار می‌کردی و خیلی بیشتر از الان عرق می‌کردی؛ بالین حال برای مردم اصلاً مهم نبود؛ اما الان اگه امروز بری محل کارت، وقتی برگشتی و نری حموم خانومت میگه زیر بغلت که بو میده، من باهات معاشرت نمی‌کنم... من قبلاً که می‌رفتم تو اتوبوس اصلاً احساس نمی‌کردم بو رو، ولی الان خیلی حاله بد میشه و حس تهوع می‌گیرم. میام بیرون اصلاً. ذائقه تغییر کرده...» (محمد، ۴۰ ساله).

در حمام نیز به همین ترتیب بدون توجه به وضع آلوده فضای حمام عمومی تنها با اجرای مناسک ساده بهداشتی و با استفاده از چند تشت آب گرم بر جای نشیمن، در و دیوار نسبت به فضای داخلی حمام حس راحتی ایجاد می‌شد و به شستشوی خود اقدام می‌کردند. درحالی‌که دیوارهای حمام عمومی شهری، زمین و شیرآلات آن در مقایسه با حمام‌های امروزی منازل آلودگی ظاهری بیشتری داشت.

۵. دگرگونی ارزشی درباره آب

مردم تهران طی تاریخ با وضعیت کم‌آبی خود را تطبیق داده و سازگار کرده‌اند. بدین منظور آموزه‌های دینی و عرفی با تأکید بر روایات مذهبی و/یا آموزه‌های اخلاقی سعی در نکوهش اسراف و ترغیب جوان‌ترها به مصرف درست منابع داشته‌اند.

«یه زمانی بود تو کوچه می‌دیدم که نون رو زمین افتاده بود برمی‌داشتن، می‌بوسیدن و می‌داشتن رو دیوار پرنده‌ها بخورن... یا مثلاً یه حدیث از حضرت فاطمه زهرا هست که ایشون یه دونه برنج از دستشون افتاد و نتونست پیداش بکنه و رکعات بسیار نماز خونده که خدا ببخشه ایشون رو! تو کودکی همیشه به ما می‌گفتن که بشقابو تا ته بخور یا همون قدر که می‌خوری بکش و اون قدری نکش که تو بشقاب بمونه یا مثلاً تو بچگی اگه میوه‌ای رو برمی‌داشتیم بخوریم و دو تا گاز می‌زدیم و می‌داشتیم اونجا، شاکمی می‌شدن که اگه نمی‌تونستی بخوری چرا برداشتی؟» (علی، ۴۶ ساله).

در گذشته، با توجه به محدودیت منابع آبی، نظام ارزشی به‌گونه‌ای با اقتضات زیست‌محیطی همساز شده بود که براساس آن، عقل سلیم و دانش عامه به بازتولید عقلانیت زیست‌محیطی می‌انجامید. این درحالی است که در دوران بعد، با رونق گرفتن باور به فراوانی و فاصله افتادن میان کنش مصرفی و

پیامدهای آن در قبال آب، زمینه‌های بروز عقلانیت ابزاری یا اقتصادی فراهم شد. این عقلانیت که هدف آن بیشینه کردن سود و منافع آتی کنشگر است جانشین عقلانیت زیست‌محیطی گردید.

«ضرب‌المثل‌هایی از گذشته بود و نسل گذشته ما خیلی برای آب ارزش قائل بودن و نسل جدید اصلاً نمی‌دونن اونا رو... ما بچه بودیم، می‌گفتن هرکی تو آب تف کنه انگار تو صورت مادرش کرده؛ مادری که مقدس‌ترین چیز برای بچه‌اس یا می‌گفتن هرکی تو آب ادرار کنه انگار رو مادرش ادرار کرده و ما اصلاً نمی‌تونستیم تو آب تف یا ادرار کنیم. پدر بزرگم همیشه می‌گفت که آب رو روی زمین نریز و همونقدر که می‌ریزی، همونقدرم از دست میره. ولی امروز پسر من هیچ تصویری از این حرفا نداره. شاید واسه این بود که قدیم با زحمت از چاه آب در می‌آوردن و آب براشون خیلی مهم بوده و به این خاطر می‌گفتن آب رو آلوده نکنید» (شاهین، ۴۴ ساله).

با وقوع تغییرات ساختاری گسترده در تأمین و آبرسانی به منازل ازسویی و رشد و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی ازسوی دیگر، که بیشتر ناشی از تغییرات اقتصادی اخیر بوده است، شرایط برای تغییر رویکرد ارزشی نسبت به آب فراهم شد به طوری که دیگر به آب نه به عنوان امری مقدس، موهبتی الهی و عنصر اصلی حیات بلکه به عنوان کالایی کم‌ارزش، فراوان، نامحدود و تجدیدپذیر نگریسته می‌شود.

«همه میگن آب کمه، اما ته دلم میگه هست، باور دارم که همه چی حل میشه» (میترا، ۴۵ ساله).

۶. خانه به‌مثابه یک کل تمام

مقایسه برداشت امروزی از خانه با ادراک از آن در گذشته، نشان می‌دهد طی فرایند مصرفی شدن این تصور رفته‌رفته تغییر کرده است. باوجود آنکه امروزه بخش کوچکی از وقت اعضای خانواده در خانه سپری می‌شود با این حال، معنای خانه و اهمیت آن تغییرات بسیاری داشته است. در گذشته، خانه‌ها به نحوی طراحی می‌شد که در فصول سرد و گرم سال، ضمن سازگاری با محیط‌زیست، ذخیره انرژی به نحوی بهینه انجام پذیرد و در مجموع، خانه به‌مثابه فضایی ساده با حداقل لوازم برای آسایش و آرامش تلقی می‌شد در حالی که در دنیای امروز، خانه شامل مجموعه‌ای از اشیای به‌هم مرتبط است که زنجیره‌وار، طیفی از نیازها را برای فرد به ارمغان می‌آورد؛ به‌کارگیری انرژی برق در خانه‌ها دیگر محدود به تأمین روشنایی نیست، بلکه با اختراع تلویزیون، مجموعه‌ای از وسایل مرتبط با آن نظیر ویدئو، تجهیزات ماهواره، آنتن دیجیتال، پلی‌استیشن، سیستم صوتی و... به اولویت‌های زندگی مبدل شده و به درون خانه‌ها راه پیدا کرده است. بر همین اساس، تجهیزات و فضاهایی مرتبط با آب شامل سینک ظرف‌شویی، روشویی، کولر آبی، ماشین لباس‌شویی، ماشین ظرف‌شویی، دستگاه تصفیه آب، توالت و حمام در درون آپارتمان‌های مسکونی تعبیه شده است. مواردی که زمانی عدم وجودشان در خانه، امری عادی تلقی می‌شد، امروزه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود.

«خوب به‌نظرم این کاملاً نشئت گرفته از همین جور حساسیه که همه‌چی گوگولی و ناناژ باشه و خصوصاً ماها که بالا شهر نشینیم به قول معروف، خونه باید به خونه کامل باشه. خونه کامل خونه‌ایه که دو یا سه تا حمام و دستشویی داره، وان داره و اگه استخر باشه، که دیگه بهتر. این هم برای خود فرد مهمه و هم نگاه دیگران» (علی، ۴۶ ساله).

برخی معتقدند نداشتن هریک از تجهیزات بالا به‌شدت در اعتماد به نفس آنها اثرگذار است. این وضعیت، به‌ویژه در نسل‌های جوان‌تر، غیرقابل تحمل بوده و زندگی بدون آن را فاقد ارزش زیستن می‌دانند.

«یه چیزی رو به یکی بدی سخت میشه ازش بگیری. قدیمام حموم نداشتیم یا با دست لباس می‌شستیم، اما الان نباشه خیلی سخته. مخصوصاً برای بچه‌هامون اصلاً نمی‌تونن» (میترا، ۴۵ ساله).
«اگه حمام یا لباس‌شویی نداشتیم خیلی بد می‌شد. پیش دیگران حس کوچیک بودن می‌کردم. اگه قرار باشه تو بدبختی زندگی کنی، همون بهتر که زندگی نکنی. حالا که دنیا این‌طوره اگه نداشته باشی، زندگی جالبی نیست پس بهتره بریم بمیریم؛ خودمو می‌کشتم. حس حقارت داشتم پیش دوستام و ترجیح می‌دادم نیان خونمون. منزوی بشم یا بمیرم ولی حاضر نیستم این‌طور باشه» (روسینا، ۱۲ ساله).

۷. فردگرایی/خصوصی شدن

یکی دیگر از تغییرات مهمی که در سال‌های اخیر رخ داده گذار جامعه از جمع‌گرایی به فردگرایی است؛ فرایندی که بر پایه دگرگونی ساختاری فضا، زمینه‌ای فرهنگی برای مصرفی شدن جامعه است. در گذشته، حمام فضایی عمومی تلقی می‌شد و به خانه‌ها راه پیدا نکرده بود یا دست‌کم بخش بزرگی از جامعه در خانه حمام نداشت، حمام رفتن آدابی داشت که طی آن، چند عضو یک خانواده، فامیل یا تعدادی از دوستان اغلب به‌طور هفتگی و دسته‌جمعی، مهیای رفتن به حمامی می‌شدند که در محله به‌طور مشترک، مورد استفاده قرار می‌گرفت. حمام رفتن بیشتر در صبح روز تعطیل (مانند جمعه) صورت می‌گرفت. برای استحمام دسته‌جمعی دلایل متنوعی ذکر شده است؛ یکی از این دلایل ضرورت تأمین امنیت، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، بود. هرچند اهالی محل با یکدیگر آشنا و امنیت نسبی قابل توجهی در محله‌ها برقرار بود، اما بزرگ‌ترها همیشه خود را ملزم به حراست از کودکان می‌دیدند.

«عمدتاً با پدر و برادران می‌رفتیم حموم و تنها نه. همیشه یکی با ما بود» (مصطفی، ۵۰ ساله).

دلیل دیگری که برای حضور جمعی در حمام ذکر شده است نیاز افراد به حضور دیگری برای شستشوی نواحی از بدن بود که فرد به‌تنهایی قادر به نظافت آن نبود (مانند کمر و پشت). بدین ترتیب، نوعی تعاون و کمک به یکدیگر برای انجام بهینه نظافت در جریان بود؛ کنشی اجتماعی که اعضای یک خانواده، فامیل یا محله را به یکدیگر پیوند می‌داد.

«خوب اون وقت انگار خیلی کثیف تر می شدیم. خاک بود و چرک می شدیم. واسه همین خودمونو کیسه می کردیم و هی لیف می زدیم به پوستمون. دستمونم که به پشتمون نمی رسید، واسه همین باید با هم می رفتیم تا یکی پشتمونو یا حتی کل بدنمونو کیسه کنه» (سعید، ۴۳ ساله).

در سال های بعد، با تحول در ساختار آب رسانی به منازل و طراحی و تعبیه حمام های کوچک خانگی، آداب حمام رفتن نیز تغییراتی کرد. دسترسی آسان و فراوانی آب سبب شد تا زمینه فرهنگی حساسیت های مرتبط با بوی بد ناشی از تعریق بیشتر شد؛ از این رو، یکی از مهم ترین تغییرات در ساختار فرایند حمام کردن، فردی و خصوصی شدن آن است. در این دوره، رفته رفته استحمام از عملی ضرورتاً جمعی به عملی کاملاً فردی تغییر شکل داد. به مرور، ضرورت یا عادت مرتبط با آداب فرهنگی استحمام مانند شستشوی نواحی پشتی بدن در حمام های خانگی از میان رفت. به تدریج، وضعیت به شکلی درآمد که حمام کردن مانند به توالی رفتن امری کاملاً شخصی شد به طوری که امروزه کمتر شاهد حضور دو خواهر، دو برادر یا دو دوست برای استحمام در منازل هستیم و اغلب این عمل با سوء تعبیرهای جنسی مواجه می شود. خصوصی شدن و حضور انفرادی در حمام سبب رهایی فرد از نظارت دیگران در مصرف آب شد. با توجه به دسترسی آسان، تلقی از فراوانی آب، طراحی و نصب دوش های خانگی و در برخی موارد، وان های بزرگ، که بیشتر برای تمدد اعصاب و امکانات رفاهی لوکس در خانه ها در نظر گرفته می شود، افراد به دور از چشم ناظر بیرونی و ملامت گر، آزادانه به مصرف بی حد و حصر آب اقدام می کنند. امروزه انسان شهری اغلب دقایقی چند (به طور روزانه یا چند روز در هفته) به استحمام پرداخته که در آن عموماً شیر آب به طور مستمر باز است (حتی زمانی که فرد در حال شستشوی سر یا بدن باشد)؛ این در حالی است که در گذشته، با وجود آنکه فرایند حمام کردن به نحوی طولانی تر انجام می شد، اما دفعات حضور هفتگی فرد در حمام بسیار کمتر از امروز بود.

در گذشته دور، که هنوز دوش و شیر آب به حمام عمومی راه پیدا نکرده بود، از حوضچه های مشترک (خزینه) استفاده می شد. در دوران بعد که، به موازات حضور آب لوله کشی، تلقی از بهداشت نیز تغییر کرد، در کنار چند دوش، که برای مراحل پایانی استحمام طراحی شده بود، فرایند حمام در فضایی عمومی و در جلوی چشمان دیگران با استفاده از کاسه بزرگی انجام می شد که به منظور شستشوی استحمام کنندگان در سالن عمومی قرار گرفته بود. بدین ترتیب، حجم مصرف آب همواره تحت نظارت دیگران قرار داشت و در برخی موارد که یکی از استحمام کنندگان به مصرف بیش از حد متعارف آب اقدام می کرد، اغلب با تذکر دیگران یا نگاه خاص و معنی دار آنان کنترل می شد.

«قدیما آب زیاد مصرف می‌شد، اما به نظرم نه اندازه‌ی الآن. هفتگی می‌رفتیم حموم ولی زیاد می‌موندیم. با کاسه آب می‌ریختیم سرمون، اما الآن یه سره آب بازه. بچه‌ها که اصلاً نمی‌فهمن آب کمه بینی چی. گاهی دخترم که تو حمومه می‌بینم نیم ساعت آب یه سره بازه» (میترا، ۴۵ ساله).

این فرایند در امر اجابت مزاج یا توالیت رفتن نیز مطرح است. آنچه امروزه از فرایند به توالیت رفتن می‌دانیم امری کاملاً شخصی است که به‌نظر، همواره به‌نحوی خصوصی اتفاق می‌افتاد، اما به توالیت رفتن نیز همانند عمل استحمام در تاریخ تحول خود فرایندی دارد و طی آن گذار از جمعی بودن به شخصی شدن اتفاق افتاده است. در گذشته، توالیت کردن در فضای باز و عمومی به‌مراتب کمتر از امروز امری غیر متمدانه تلقی می‌شد به‌طوری که افراد در گوشه و کنار باغ‌ها، مزارع، کوچه‌ها و جاده‌ها به‌راحتی اجابت مزاج می‌کردند؛ با این حال، این وضعیت در شکل رسمی‌تر خود، زمانی رخ می‌نماید که در مساجد یا برخی مکان‌های عمومی، که شهرداری‌ها به‌عنوان توالیت عمومی شهری برپا کرده بودند، دو بخش برای این کار طراحی شده بود. بخش عمومی که در آن حوضچه‌ای مستطیل شکل و نسبتاً بزرگ برای ادرار کردن (مردان) طراحی شده بود و افراد در کنار هم و بدون وجود حائل یا دیوار جداکننده به اجابت مزاج می‌پرداختند (مانند توالیت‌های موقتی که در مکان‌های عمومی برخی از کشورهای امروز نصب می‌شود) و دوم بخش خصوصی که همانند آنچه امروزه آن را فضای توالیت می‌شناسیم طراحی می‌شد؛ بنابراین فرایند خصوصی شدن در توالیت نیز همانند حمام کردن امری تاریخی است که پس از تغییرات ساختاری فضا در سیستم آبرسانی و به موازات فرایند متمدن شدن، به مصرفی شدن هرچه بیشتر جامعه کمک کرد. این فرایند درخصوص شستشوی ظروف، لباس‌ها، فرش و هرآنچه امکان شستشو دارد نیز صادق است. حضور سینک ظرف‌شویی و خصوصی شدن فضای شستشو سبب شده است تا برخلاف گذشته، هنگام شستشو نظارت سایرین و فشار جمعی ناشی از مصرف بالای آب بر دوش فرد سنگینی نکند.

۸. رشد نظارت مصرف‌گرایانه

به موازات و البته برخلاف فرایند فردی شدن، که در دنیای جدید منجر به شرایطی نظارت‌گریزانه شده است، نوع دیگری از نظارت در این دوران سر برکشید که طی آن فرد ملزم به رعایت ارزش‌ها و هنجارهای مصرفی است. پیش از ظهور شرایط جدید و رشد مصرفی شدن، اقتضات تعیین‌کننده در ساختار طراحی ساختمان‌ها سبب می‌شد توالیت در گوشه‌ای از حیاط خانه بنا شده و تهیه آب برای شستشو با استفاده از یک آفتابه سنگین پر شده با حجم محدودی از آب صورت گیرد. زحمت حمل و انتقال آب سبب می‌شد تا فرد به‌طور قابل‌اعتنایی، در مصرف آب صرفه‌جویی نماید. از سوی دیگر، در مقایسه با امروز، طراحی مکانی توالیت در گوشه‌ای از فضای حیاط و بیرون از فضای محل زندگی خانواده، عاملی برای توجه

کمتر بر تمیز بودن و تمرکز بالای خانواده بر رعایت بهداشت _ به نحوی که امروز بر آن تأکید می‌شود _ بوده است. از این رو، توالت‌ها بیشتر مکانی نسبتاً آلوده با بوی مشمئزکننده، منافذ زیاد برای جریان هوا در سقف‌ها و در ورودی بودند.

«قدیما یادمه توالت ته حیاط بود. مخصوصاً وقتی می‌رفتیم خونه پدر بزرگم توالت خیلی کثیف و بدبو بود. یه سنگ توالت داشت که مته دره بود (خنده). مثلی و عمیق با شیب زیاد. می‌افتادی توش کارت تموم بود. رنگش قهوه‌ای بود و اصلاً نمی‌شستنش انگار» (رضا، ۳۷ ساله).

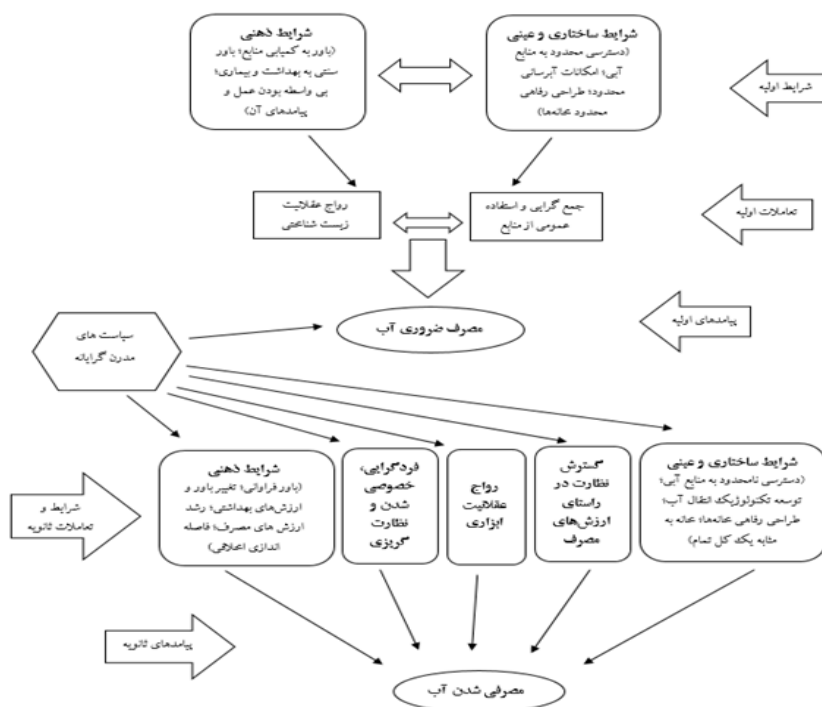
نکته قابل توجه در این رابطه، رنگ و جنس سنگ یا کاسه توالت است که بیشتر به رنگ‌های تیره یا قهوه‌ای و از جنس سنگ زمخت و غیر براق بوده است. در چنین فضایی، که از نظر انسان امروز مشمئزکننده است، از مادر بزرگ‌ها، که زنان خانواده بودند، انتظار تمیز نگه‌داشتن فضا و شستشوی مداوم عرصه توالت و زیباسازی آن وجود نداشت و جالب اینجاست این مکان به نحوی که امروز آلوده تصور می‌شود، غیر بهداشتی تلقی نمی‌شد؛ با این حال، با تغییر تصور از بهداشت و رشد تبلیغات و آگاهی در حوزه سلامت، شاهد دگرگونی بنیادین در حوزه طراحی توالت‌های خانگی هستیم. در این دوره، در طراحی کاسه توالت، کاشی‌های کف، دیوارها و روشویی از رنگ سفید و/یا رنگ‌های شاد و روشن استفاده شد. بی‌تردید این تغییرات اتفاقی نبود و تغییر رنگ توالت از رنگ تیره و مات به روشن یا سفید براق به جهت استراتژی به کار گرفته شده از سوی نظام مستقر جدید اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های سرمایه‌داری است که طی آن، برای ترغیب خانواده‌ها به مصرف هرچه بیشتر، ضمن تغییر ساختاری فضای توالت‌ها (با طراحی آن درون واحد مسکونی، تأکید و تبلیغات بر اهمیت بهداشت و نقش میکروب‌ها در بروز بیماری و به کارگیری رنگ روشن و براق در طراحی توالت‌های خانگی) شرایط نظارت بر رفتار خانواده _ خصوصاً زنان به عنوان کارگزاران اصلی امور خانه _ فراهم شد. در چنین شرایطی، به مرور شستشوی مداوم توالت‌ها به امری ضروری مبدل شد و بهداشتی بودن آن بخشی از فرهنگ خانوادگی و مبنایی برای ارزیابی زنان در تأمین بهداشت و روح بخشیدن به فضای خانه درآمد.

«من خودم با این حرف موافقم که می‌گن تمیزی دستشویی نشونه شخصیت و فرهنگ یه خانواده‌س. اگه می‌خوای ببینی یه خانواده چقدر تمیزه به توالتش نگاه کن» (ندا، ۳۵ ساله).

بدین ترتیب، تحولات ارزشی سال‌های گذشته موجب شد فضای مشمئزکننده توالت‌های خانه‌ها به فضایی چنان نظارتی بدل شود که نه تنها بو یا آلودگی‌های آشکار بلکه دیگر هرگونه لکه و رد آب بر روی شیرآلات، کاشی‌ها و آئینه قابل پذیرش نبوده و نشانه‌ای از عدم تمیز بودن توالت و مبنایی برای قضاوت کلی‌تر در مورد بهداشت خانه تلقی گردد. به همین ترتیب، شستشوی درزهای میان کاشی‌ها محلی برای تجمع آلودگی و میکروب‌ها تلقی شد که در دستور کار قرار گرفت.

فرو افتادن دیوارهای آشپزخانه و الحاق آن به بخشی از فضای سالن اصلی خانه نیز از این فرایند مستثنی نیست. فرایندی که آشپزخانه را به عنوان محل اصلی فعالیت زنان و زندگی اعضای خانواده تحت نظارت سایرین درآورد. ظرف‌های تمیز و شسته شده، تأمین انواع لوازم پخت‌وپز و شستشو مانند ماشین لباسشویی و ظرف‌شویی و سایر وسایل آشپزخانه، که اغلب به رنگ روشن یا سفید و بدون لکه‌های چربی یا هرگونه آلودگی رخ می‌نمایند تحت نظارت مدام ناظرین تیزچشمی است که عاملین ارزش‌های مدرن هستند و اعضای خانه را به مصرف هرچه بیشتر آب در تأمین بهداشت و زیبایی منزل ترغیب می‌کند.

«هم کابینامون سفیده و هم یخچال و ماشین ظرف‌شویی و لباسشویی. همه چی... همیشه که کثیف بشه. اصلاً خانومم نمی‌ذاره روش لک بیفته» (مهدی، ۳۸ ساله).



شکل شماره ۱: دیاگرام فرایند مصرفی شدن آب

برایند: به سوی کشف نظریه برآمده از واقعیت محدود (فرایند مصرفی شدن آب)

تهران مانند بخش بزرگی از نواحی ایران، شهری کم آب است که در گذشته، با منابع آبی بسیار کمی شامل تعداد محدودی قنات، چشمه و آب‌انبار به حیات خود ادامه داده است. در دهه‌های گذشته، خانه‌ها بدون دسترسی به ذخیره‌های آب شهر، بیشتر مکانی ساده برای استراحت تلقی می‌شدند و بخش قابل

اعتنای مصارف آبی ساکنان اولاً، به بیرون از خانه واگذار شده بود و دوم، اینکه به نحوی بسیار مختصر و با حداقل مصرف آب تأمین می‌شد. استحمام اغلب در فواصل هفتگی و در مکانی عمومی، که بدین منظور تعبیه شده بود، انجام می‌شد. لباس‌ها و ظروف در کنار جوی‌ها در فضای عمومی شسته می‌شدند. بیشتر خانه‌ها حیاطدار بودند و در گوشه‌ای از فضای حیاط اتاقکی ساده به نام توالت قرار داشت. آبی که برای استفاده در توالت‌ها استفاده می‌شد باقیمانده آب باران و در مخازنی که به منظور جمع‌آوری آب در نظر گرفته شده بود و/یا به واسطه آبی که در شبکه‌های حمل آب به منازل منتقل می‌کردند تأمین می‌گشت. آفتابه‌ها تنها ابزار تأمین آب برای اجابت مزاج در توالت‌ها محسوب می‌شدند. مردم ناگزیر برای تأمین نیازهای آبی خانواده به قنات یا چاه‌های آب مراجعه می‌کردند. این امر عامل مؤثری در آگاهی بی‌واسطه مردم از تغییرات منابع آبی بود که در اختیار شهر قرار داشت.

تلقی آب به‌مثابه سرمایه عمومی شهر، آگاهی از کمیابی و عدم استحصال منابع در صورت اتمام آن سبب می‌شد تا هرگونه سهل‌انگاری در هدر رفت آب از چشمان تیزبین مردم شهر پنهان نمانده و فرد خاطی مورد تذکر جدی قرار گیرد. شاید بتوان همین تلقی از آب (به‌مثابه کالای همگانی و محدود) را عامل اصلی طراحی فضای شهری به‌مثابه اماکن تأمین نیاز آبی شهروندان دانست. به‌عبارت‌دیگر، علاوه بر کمیابی منابع و عدم دسترسی ساکنین به آب نامحدودی که بتوان در منازل به‌نحوی بی‌انتهای بدن دسترسی داشت، کنترل و نظارت سراسرین جامعه بود که در قالب ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در بازتولید طراحی شهری و تعبیه فضاهای جمعی (حمام، توالت، فضاهای عمومی شستشوی لباس، ظروف و...) نقش داشت. شرایطی را که واقعیت سخت زیست‌محیطی بر جامعه تحمیل می‌کرد، شرایط مادی تولید باورها و ارزش‌های مبتنی بر عقلانیت زیست‌شناختی را تعیین می‌بخشید. در این شرایط، انسان برای بقا نیازمند سازگاری با محیط‌زیستی بود که در آن به‌سر می‌برد. در این راستا، آموزه‌های مذهبی و فرهنگی نیز به یاری سازگاری هرچه بهتر با محیط‌زیست طبیعی می‌آمدند. ازسوی‌دیگر، درک عمومی سنتی از بهداشت و بیماری که حساسیت کمتری به مقوله آلودگی و میکروب داشت در مصرف ضروری و کارکردی آب برای تأمین حداقل نیازها اثر قابل تأملی داشت.

از دهه‌های اول قرن بیستم، با گسترش برنامه‌های نوسازی در جهان سوم، چشم‌انداز توسعه در ایران تغییر کرد. توسعه عمرانی روستاها و شهرهای کشور نیازمند برنامه‌ریزی برای تأمین آب و حل مسئله کم‌آبی بود. ساخت سازه‌های عظیم بتونی که بتوان حجم بزرگی از آب را در پشت آن انباشت کرد نشانه‌ای از توسعه و رشد تمدنی تلقی گردید. بدین ترتیب، صدها سد با هدف تأمین آب مورد نیاز بخش شهری، کشاورزی و صنعتی بنا شد. به گزارش شرکت آب و فاضلاب استان تهران تا سال ۱۳۰۶، آب شهر تهران را ۲۶ رشته قنات تأمین می‌کرد. در این سال، احداث کانال انتقال آب رودخانه کرج به تهران آغاز شد. در

سال ۱۳۲۹، طرح اولیه لوله‌کشی تهران برای جمعیتی معادل ۹۰۰ نفر به اجرا درآمد. گزارش سال ۱۳۴۲، سازمان آب تهران نشان می‌دهد در این سال، ۳۴۱ هزار نفر مشترک آب لوله‌کشی بوده‌اند و به‌مرور طی سال‌های بعد، تمامی شهر تهران تحت پوشش خدمات سازمان آب قرار گرفت (سازمان آب تهران، ۱۳۴۳: ۸۱-۸۴). در سال‌های بعد با رشد جمعیت و نیاز بیشتر به منابع آبی، سدهای امیرکبیر (کرج)، طالقان، لار، لتیان، ماملو و آب‌های زیرزمینی سدها حلقه چاه عمیق احداث شد.

به‌طور مشخص، در بخش شهری احداث سدها و لوله‌کشی آب به درون منازل رخداد مهمی بود که زمینه تغییرات بسیار مهمی را در حوزه مصرف فراهم آورد. تأمین حجم بزرگ منابع آبی تهران، به‌عنوان پایتخت ایران، درکنار برنامه‌های تمرکزگرایانه دولت‌ها، موجب مهاجرت گسترده جمعیت بزرگی از مردم کشور به این شهر شد. این امر به‌نوبه خود در کوچک شدن فضای زیست مسکونی خانواده‌ها، جایگزینی آپارتمان‌های کم‌متراژ و زندگی در شهرک‌های مدرن انبوه‌سازی شده مؤثر بود. آبی که با لوله‌های عظیم انتقال آب مسافت زیادی را در فاصله منابع اصلی تأمین آب (پشت سدها) تا منازل افراد می‌پیمود زمینه‌ساز نوع خاصی از شهرسازی شد که در آن آپارتمان‌های کوچک نوظهور به مکانی خودکفا بدل گردید. خانه‌هایی که متشکل از حمام، توالت، آشپزخانه و هر آن چیزی بودند که مایحتاج زندگی شهری برای بازتولید انسان تدارک دیده شده برای سبک زندگی جدید بود. از این رو، نوسازی شهری به یاری تأمین منابع آبی جدید به ساخت خانه‌های کوچک اما با رفاه بالا منجر شد.

در این فرایند، اتفاق مهم دیگری بروز کرد؛ فاصله افتادن میان منابع تأمین آب (سدها) و مصرف‌کنندگان نهایی سبب شد تا میان عمل‌کنندگان و پیامدهای آن نوعی فاصله‌اندازی اخلاقی اتفاق بیفتد. این امر موجب شد تا کنشگران از نتیجه اخلاقی عمل خود آگاه نبوده و برخلاف گذشته، درکی از منابع آبی شهر نداشته باشند. حجم نامحدود آب در دسترس و فرایند تأمین آن که نوعی بیگانگی میان مصرف‌کننده و منابع طبیعی تولید را رقم زد به باور فراوانی منتهی شد و به‌واسطه آن مصرف امری عقلانی به‌نظر رسید؛ شرایط مادی و معیشتی نوظهوری که با زیست زهدگرایانه و صرفه‌جویانه گذشته خویشاوندی نداشت. شرایط مادی جدید، که به مدد نوسازی تکنولوژیک منابع تأمین آب فراهم آمدند، زمینه‌ساز تغییر ارزشی درباره آب و محیط‌زیست طبیعی در شهرها شدند. رشد عقلانیت ابزاری و جایگزینی آن با عقلانیت زیست‌شناختی و به خدمت گرفتن هرآنچه امکان مصرف دارد برای تولید حداکثری لذت، زمینه ذهنی مصرف انبوه را فراهم آورد. دیگر آب نه فقط امری مقدس، موهبتی الهی و عنصر اصلی حیات بلکه کالایی کم‌ارزش، نامحدود و تجدیدپذیر تلقی می‌شد. در این فراگرد، با رشد دانش پزشکی و تلقی آلودگی به‌مثابه عامل بیماری‌زا، مصرف انبوه مانعی برای بیرون راندن ارزش‌های زهدگرایانه گذشته بر سر راه خود نمی‌دید.

ضرورت شستشوی گسترده توالتها و حمام‌هایی که اکنون در درون خانه‌ها تعبیه شده بود، آشپزخانه‌های نظارت‌پذیر اوپنی که به‌نحوی مداوم در معرض دید ناظران قرار داشت و به‌طور کلی، تمامی دارایی‌ها اعم از اشیای منزل، اجزای بنا، کف خانه، درها، دیوارها، خودروی شخصی، کارواش خانگی و سایر متعلقات شخصی شامل لباس و ظروف خانه به‌نحوی وسواس گونه‌ای مورد توجه بهداشتی قرار گرفت. بازار با تولید زنجیره‌ای از کالاها، نظامی از اشیا را عرضه کرد که به مصرف هرچه بیشتر منابع کمک می‌کرد. ساخت و عرضه ماشین لباس‌شویی، ماشین ظرف‌شویی، دستگاه تصفیه آب، بخارشوی، رطوبت ساز، انواع شیرآلات آبی، وان حمام، جکوزی، استخر، ضرورت پاسیوی فضای سبز در خانه‌ها و... به مصرف هرچه بیشتر همه‌چیز از جمله آب منجر شد.

نظامی از اشیا که فرد را احاطه کرده است او را به سمت طراحی خانه‌ای می‌برد که به‌طور وسواسی در آن، همه امکانات رفاهی حضور دارند: خانه به‌مثابه یک کل تمام. گردآوری زنجیره‌ای از اشیا در خانه، شرایطی برای مصرف بیشتر را فراهم ساخت. درحالی‌که به مدد تکنولوژی مدرن، منابع آبی برای تأمین حوائج روزمره شهرها مهیا شده، تجهیزات شستشو مانند سینک بزرگ ظرف‌شویی درون آشپزخانه، ماشین لباس‌شویی و ظرف‌شویی امکان شستشوی بی‌انتهای انواع ظروف و لباسی که به‌نحوی سهل‌انگارانه مهبیای شستشو شده‌اند را فراهم آورد. در این شرایط، نیاز شهروندان به آب دیگر نه نیاز ضروری و برای رفع لوازم حیاتی، بلکه زنجیره‌ای اشیا عرضه‌شده از سوی بازار مصرف، فرد را به سمت ابراز نیازهای کاذبی، که به‌نحوی رشد یابنده همه‌روزه افزایش می‌یابند، سوق می‌دهد. شستشوی روزانه بدن و انواع لباس به ضرورتی بدل شده است که معانی جدیدی به خود گرفته است.

حمام کردن و شستشوی بدن دیگر معنای سابق خود را ندارد و با اهداف اجتماعی متعددی به‌کار گرفته می‌شود؛ حمام به‌مثابه حریم خصوصی و جایی برای خلوت، بیان احساسات، گریه کردن، خندیدن، درد دل کردن با آب، تفکر، آواز خواندن، رفع خستگی و آرامش، حس معنوی، دیدن خود در آینه و تمرکز بر بدن، پیش‌نیازی برای فعالیت‌های ارتباطی، قرارها، جلسات کاری و به‌مثابه رفتاری مدنی برای عدم ایجاد آلودگی‌های بصری و بویایی معانی متعددی هستند که امروزه حمام به خود گرفته است. توالت نیز دیگر تنها جایی برای اجابت مزاج نیست و آب در آن صرفاً برای شستشو مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ ایجاد حریم خلوت برای آرامش و چک کردن موبایل یا خواندن کتاب و روزنامه، شستشوی خود، استفاده از صدای آب برای دفع بهتر، استفاده از گرمای آب برای دفع راحت‌تر، باز بودن مدام شیر آب برای دور کردن مواد زائد حین دفع، استفاده از صدای آب برای نويز و تولید صدا؛ و استفاده از فشار آب ولرم جهت لذت جنسی برخی از کارکردها و معانی جدیدی است که برای توالت در دنیای جدید به‌دنبال نیازهای مصرفی نوظهور و رشد مصرف تجملی، متمدن شدن و مصرفی شدن رخ نموده است.

باور فراوانی به واسطهٔ عرضهٔ نامحدود و ارزان آب موجب شد تا بهداشتی بودن اشیای خانه یک ارزش مدرن تلقی شود و شکلی افراطی به خود گیرد و یک اصل بدیهی سرلوحهٔ رفتار اعضای خانواده به‌ویژه زنان به عنوان مدیران داخلی خانه‌ها باشد. امروزه تصور از بهداشتی بودن با مصرف بی‌حد و حصر آب درآمیخته است. حساسیت جامعه به کمترین بوی ناخوشایند بدن و ضرورت شستشوی آن، شستشوی هر روزهٔ لباس‌ها، استفاده از غذاهای تهیه شده با روغن که نیازمند شستشوی بیشتری است، شوینده‌های قوی و استفاده از حجم بالاتر آب برای از بین بردن اثر بیماری‌زای این شوینده‌ها از ظروف، ضرورت شستشوی ظرف‌ها تا مرز درخشندگی، استفاده از وان، جکوزی و استخر خانگی و بسیاری از رفتارهای مصرفی که به‌واسطهٔ سبک زندگی جدید ایجاد شده است دست‌به‌دست هم داده‌اند تا منابع آبی از سوی کنشگران در جهت مصرف تجملی به خدمت گرفته شود.

با رشد فردگرایی و خصوصی شدن عرصه‌های مصرف که خود تا حد زیادی ناشی از فرایند نوسازی ساختارهای عمرانی بالاست مصرف آب به دور از نظارت دیگران برای استفاده از منابع آب مشترک افزایش چشمگیری یافت. باور فراوانی و به‌دنبال آن خصوصی شدن حمام، توالت، شستن ظروف، لباس‌ها و... موجب شد تا تلقی گذشته از آب به‌مثابه کالای عمومی محدود و تجدیدنپذیر جای خود را به‌نوعی بی‌تفاوتی اجتماعی در قبال منابع زیست‌محیطی و به‌طور خاص، آب بدهد. برعکس، همین خصوصی شدن و باور فراوانی سبب شد تا نوع دیگری از نظارت شکل گیرد که در پی اعمال حداکثری ارزش‌های مصرف تجملی است. نظارت بر رعایت بهداشت در خانه و بدن از نوع مدرن کنترل است که در پی تحولات بالا رخ نمود. بدین ترتیب، در دهه‌های اخیر، نوعی دگردیسی و تغییرات بنیادین در نظام عینی و ذهنی جامعهٔ شهری اتفاق افتاد که مشخصهٔ اصلی آن مصرف است؛ وضعیتی که با خلق «کنشگر مصرفی» با تمام توان همه چیز و از جمله آب را برای بازتولید خود و نیازهای سیری‌ناپذیرش مصرف می‌کند.

منابع

- احمدی، سیروس؛ مختاری، مریم؛ رضایی، پریسا (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر صرفه‌جویی آب در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج. *راهبرد/اجتماعی فرهنگی*، شماره ۱۵: ۹۱-۱۱۰.
- حاتمی، عباس؛ نوربخش، سوسن (۱۳۹۸). بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان براساس نظریهٔ زمینه‌ای. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۳۰، شماره ۷۳: ۱۲۳-۱۴۲.
- حاجی‌زاده میمنندی، مسعود؛ افراسیابی، حسین؛ بهارلوتی، مریم (۱۳۹۷). مطالعهٔ کیفی مصرف آب در نگاه زنان شهر اصفهان. *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۶، شماره ۲: ۲۷۱-۲۹۳.
- رجاییان، ندا؛ کشتی آرای، نرگس؛ نادى، محمدعلی (۱۳۹۷). تجارب زیستهٔ دانش‌آموزان دورهٔ تحصیلی ابتدایی از پیشرفت مصرف آب. *آموزش محیط‌زیست و توسعهٔ پایدار*، شماره ۱۵: ۴۷-۶۰.

- رستم‌آبادی سفلی، الهام (۱۳۷۹). برآورد معادله مصرف آب در فصول تابستان و زمستان در شهر تهران. *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۵۴ و ۵۵: ۷۷ - ۱۰۶.
- ریتزر، جرج (۱۳۹۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.
- سراج‌زاده، حسین؛ محمدی، صدیق (۱۳۸۹). *مسائل اجتماعی محله‌های شهر تهران*. دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- صالحی، صادق؛ کریم‌زاده، سارا؛ امامقلی، لقمان (۱۳۹۴). تحلیل اجتماعی رفتار مصرف سبز در بین شهروندان استان مازندران. *فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی*، سال اول، شماره ۱: ۹۷-۱۳۵.
- عسگر سبحانی، علی (۱۳۹۶). شبیه‌سازی رفتار مشترکین در مصارف آب با استفاده از مدل عامل بنیان. *پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، شماره ۲۱: ۴۹-۵۶.
- گزارش کار سازمان آب تهران در سال ۱۳۴۳ (۱۳۴۴). *مسائل ایران*، شماره ۲۶ و ۲۷: ۸۰-۸۴.
- محمدی، بختیار (۱۳۸۹). تحلیل روند بارش سالانه ایران. *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۲، شماره ۴۳: ۹۵-۱۰۶.
- محمدپور، احمد؛ ایمان، محمدتقی (۱۳۸۷). بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۸: ۱۹۱-۲۱۴.
- آخرین میزان تولید و مصرف آب در تهران (۱۳۹۸، ۲۸ تیر) برگرفته از سایت ایسنا به آدرس:
<https://www.isna.ir/news/98042814491/> تهران/ مصرف آب در تهران
- تاریخچه آب در استان تهران، شرکت آب و فاضلاب استان تهران: www.tpww.ir
- نیاز آب شرب پایتخت چقدر است؟ (۱۳۹۶، ۱۴ مهر) برگرفته از سایت ایسنا به آدرس:
<https://www.isna.ir/news/96071407063/>
- Bauman, Zygmunt; Lyon, David (2013). *Liquid Surveillance*. Cambridge: Polity Press.
- Binet, M.; Carlevaro, F.; Paul, M. (2014). Estimation of Residential Water Demand with Imperfect Price Perception. *Environmental Resource Economics*, V. 59: 561-586.
- Bradley S. Jorgensen, John F. Martin, Meryl W. Pearce, Eileen M. Willis (2014). Predicting Household Water Consumption with Individual-Level Variables. *Developmental Child Welfare*, V. 46: 872-897.
- Creswell, J.W. (2012). *Educational Reserach: Planning, Conducting and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. 4th ed. London: Pearson.
- Garcia - Cuerva, L.; Berglund, E. Z.; Binder, A. R. (2016). Public perceptions of water shortages, conservation behaviors, and support for water reuse in the US. *Resourc. Conservation and Recycling*, V. 113: 106-115.
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Guba, E. G. and Lincoln, Y. S. (2005). *Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences*. In N. K. Denzin; Y. S. Lincoln (Eds.). "Handbook of qualitative research" (3rd ed. p. 191-215). Sage Publications Ltd.
- Keshavarz, M.; Karami, E.; Vanclay, F. (2013). The Social Experience of Drought in Rural Iran. *Land Use Policy*, V. 30 (1): 120-129.
- Urquhart, C. (2013). *Grounded Theory for Qualitative Research*. London: Sage Publication.